

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۱ • ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۷ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۱
اذان صبح فردا ۵:۳۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۱

شترت

بلید رانز - ریدلی اسکات - ۱۹۸۲

ریک دکارد (هریسون فورد): من چیزهایی دیدم که شما باورتون هم نمی شه.
امواجی رو تماشا کردم که توی تاریکی می‌درخشیدن.
تمام این لحظات به مرور زمان فراموش می‌شن،
مثل اشک‌هایی که زیر بارون می‌ریزیم.

نشانه‌خوانی

زیر باران باید رفت *

در روزهای گذشته عکسی از آقایان قالیباف و رئیسی منتشر شده است. این عکس مورد توجه قرار گرفته و رسانه‌ها از آن با عناوینی مانند «پربازدید»، «خاص»، «خبرساز» و امثال آن یاد کرده‌اند. این عکس البته ثبت یک لحظه خاص است و تحلیل صرفا با استفاده از عناصر نشانه‌شناسانه و با فرض جمود زمان در لحظه ثبت عکس صورت گرفته است.

اما این عکس ما را در برابر چه چیزی می‌نشاند؟

در شرایط بارانی روزهای اخیر، رئیس دو قوه در نشست مشترک دولت و مجلس شرکت داشتند.

باران می‌بارد. گام‌های رئیس دولت حاکی است که در حال عبور و حرکت است؛ اما گام‌های رئیس مجلس در حاشیه بدن‌های دو مخاطب این موقعیت، ناپیداست.

چتر عمدتا به نفع قالیباف است و رئیسی تقریبا بیرون از چتر است.

دو نفر مشغول نظاره این صحنه هستند؛ اما چهره‌ها پیدا نیست.

شاید ابتدایی‌ترین مورد آن باشد که بگوییم قالیباف چتر را به نفع خود گرفته؛ بنابراین رئیسی زیر باران مانده است. این نکته درست است؛ اما تمام ماجرا نیست.

اکنون سؤال این است که در لابه‌لای بیکسل‌های این تصویر، چه نکته‌ای برای خوانش نشانه‌شناسانه وجود دارد؟ اولین نکته را باید در مرجع انتشار عکس دانست. گویا مرجع عکس فوق، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت است؛ اما چرا باید نهادی وابسته به ریاست‌جمهوری، عکسی را بیرون بدهد که رئیس دولت را زیر باران و بیرون از چتر نشان می‌دهد.

پاسخ به این سؤال درواقع تعیین‌کننده موقعیت سایر نشانه‌ها در این تصویر است.

به طور کلی باران هرچند یادآور لحظات رمانتیک و اغلب برکت، فرح، تطهیر و زیبایی است؛ اما در برخی جاها ذیل نشانه خطر، بلا، سیل، آوار و… است.

اما تمایز این دو در عنصر «چتر» است. وقتی هنگام باران از چتر استفاده می‌شود، درواقع باران تبدیل به یک واقعیت نامطلوب می‌شود که برای رهاشدن یا مقابله با آن، به امنیت چتر پناه برده می‌شود. در ماه‌های اخیر موضوع اعتراضات به صدر مسائل کشور تبدیل شده است. طبعاً فضای حاکم بر مناسبات حاکمیت (به معنای اعم آن مشتمل بر سه قوه و نهادها و دستگاه‌های مرتبط با آن) در این مدت معطوف به همین موضوع بوده تا بتواند کشور را از این شرایط خارج کند. طبعاً هر موضوع دیگری در کشور می‌تواند ذیل همین مسرفصل تعریف شود.

آنچه رسانه‌های نزدیک به دولت سعی بر القای آن دارند، این است که اغلب این اعتراضات (افتشانات) منشا اقتصادی دارند؛ پس با گشایش در معیشت مردم، می‌توان بر این وضعیت غلبه کرد. آنچه مسلم است، این است که اختلال در نظم اقتصادی (با سیاسی) کشور، جامعه را در مسیر انواع بحران‌ها قرار می‌دهد. در عکس مذکور این وظیفه برعهده باران قرار گرفته است.

اکنون در باران بحران‌ها، باید دو نهاد اساسی کشور (یعنی رؤسای قوای مجریه و مقننه) در برابر بحران‌های متعدد کشور قد علم کنند. گویا چنین کرده‌اند و قرارگرفتن در زیر باران هم نمود عینی آن است؛ اما جنس این حضور و کیفیت آن در نزد این دو نفر با یکدیگر فرق دارد.

انرژی آقای رئیسی در این تصویر بیشتر است. او در حال برداشتن گام است و این به معنای اقدام و عمل در برابر بحران‌ها تعبیر می‌شود. هر دو دست او در تصویر بنیادست و این نشانه‌ای بر کار عملی و اجرایی است. اما رئیس مجلس با یک دست خود چتر را نگه داشته و دست دیگریش هم اسام پیدا نیست. چتر در نشانگان بحران‌ها، نوعی پناگاه است. آقای قالیباف با یک دست خود، چتر را تقریبا فقط بر اندام خویش گسترده است؛ بنابراین او فقط به فکر خویش است و همراه خود را فراموش کرده و او را در باران بحران‌ها تنها رها کرده است. در اینجا هیچ‌کدام از اندام‌ها (حرکت بدن، پاهای، دست‌ها و اساما اندام‌هایی که در هر نشانگان فرضی می‌تواند به کار حل بحران بیاید). در موقعیت انرژیک یا اجرایی قرار ندارند. آقای قالیباف در کار رفع بحران فقط در امنیت خویش به سر می‌برد و اکنون رئیسی است که در بلای بحران‌ها در قامت فردی مطمئن و استوار به پیش می‌رود. همچنین دو نفر دیگری که در تصویر دیده می‌شوند، برای ما نامشخص هستند و از پشت دیده می‌شوند؛ اما به طور مشخص جوان نیستند؛ بلکه افراد جاافتاده‌ای به نظر می‌رسند؛ اما آنها هیچ واکنش خاصی به صحنه فرآوری خود نداشته و فقط در حال نظاره هستند. گویی نقشی برای ایفا ندارند یا به تعبیر دیگر کاری از دست آنها بر نمی‌آید. در این تصویر می‌توان آنگاه را به‌عنوان مردم عادی تصور کرد. در صحنه عمومی کشور، همه چیز به رئیس دو قوه مرتبط است و مردم عادی فقط به این دو (نهاد) چشم دوخته‌اند. انگار نوعی بلاتکلیفی بر آنها عارض شده است. به معنای فنی‌تر اینکه آن دو شخص در تصویر، نمادی از سوزه‌های انسانی هستند. در اینجا به تعبیر فوکو سوزه می‌تواند دو موقعیت را اشغال کند. یکی اینکه به واسطه وابستگی و کنترل، مطیع و مقاد دیگری می‌شود و دیگر اینکه به وسیله آگاهی در تقید نسبت به هویت خویش برمی‌آید. این دو معنا می‌تواند در شرایط کنونی مقارن مفهوم مواجهه سوزه با نوعی قدرت و مقادسازی باشد. مجددا لازم به تذکر است که این تحلیل بدون هرگونه سوگیری سیاسی بوده و ناظر بر یک تصویر است که کسری از تائیه را در خود ثبت کرده است. لحظه بعدی ممکن است در توالی قدم‌ها، بیکاره آقای قالیباف از زیر چتر خارج شده و آقای رئیسی به آنجا منتقل شده باشد. بدیهی است که تحلیل نشانه‌شناسانه آن لحظه می‌تواند متفاوت از لحظه فعلی باشد. به همین خاطر است که پایگاه اطلاع‌رسانی دولت مدتی بعد از انتشار عمومی عکس، آن را حذف کرد!

✦ **تیتَر مطلب برگرفته از بندی از شعر معروف «صدای پای آب» سهراب سپهری است**



کیمیای صداقت



فادر باستانی

مدرس علوم ارتباطات و رسانه

بچه‌های فارس، روزهای سختی را می‌گذرانند. لابد می‌دانند، ۲۵۰ ترابایت دیتایی که از آن خبرگزاری در دیده شده، حاوی چه اطلاعات و اسنادی است. گروه هکری بلگر یورپا، بولتن‌های محرمانه‌ای که برای آگاهی مستولان تهیه شده بود، افشا کرد و فارس، محتوای این بولتن‌ها را رصد شنیده‌های محافل رسانه‌ای، شایعات فضای مجازی و ادعاهای رسانه‌های بیگانه خواند و گفت، فاقد صحت‌سنجی است. پس لرزه‌های این زلزله هکری، مدت‌ها دوام خواهد یافت. امید که شاهد یک خانه‌تکانی خوب و مثبت در اصلاح رویکرد رسانه‌های همسو باشیم.

عدو شود سبب خیر، اگر خدا خواهد. حادثهٔ فارس، دو ابهام مهم را روشن کرد؛ اول اینکه مشخص شد، این گروه از رسانه‌ها، برخلاف تصور، کار حرفه‌ای تولید محتوای روزنامه‌نگاری را خوب بلد هستند و بر اخبار واقعی و درست، تسلط کافی دارند.البته آنچه در اختیار مخاطب عام می‌گذارند، آن محتوا نیست. نکته دوم، انتشار محتوای محرمانه نشان داد، برخی ادعاها که اخبار واقعی در اختیار مسئولان قرار نمی‌گیرد و آنها در معرض اخبار دستکاری‌شده غیرمنطقی با واقعیت قرار دارند، صحیح نیست و اخبار کشور به درستی به آنها منعکس می‌شود. اما واقعا چرا این خبرها که غالبا روایت درست از واقعیت است، در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد؟
اوایل دهه ۷۰، من خبرنگار حوزه سیاسی در روزنامه ایران بودم. آن‌موقع تنها خبرنگرانی، ابریا بود و دست‌کم دو خط خبری داشت؛ تلکس عادی و تلکس ویژه. این دومی محرمانه بود و اخبار حساسی و هر آنچه به لحاظ حرفه‌ای، وظیفه یک رسانه است، بازتاب می‌داد، اما مردم به تلکس ویژه دسترسی نداشتند و انتشار اخبار تلکس ویژه در روزنامه‌ها ممنوع بود. برای مثال، ششورش بزرگی که در سال ۱۳۷۴ از زمان دولت سازندگی، در اسلامشهر برای اعتراض به گرانی‌ها، به وقوع پیوست و مردم معترض، مسیر جاده ساوه را مسدود کردند و برخورد با آن دو روز طول کشید، جز یک خبر چندخطی، بازتابی در تلکس عادی نداشت. اما اخبار و گزارش لحظه به لحظه خبرنگاران از صحنه اعتراضات و اقدامات متقابل معترضان و نیروهای ضدششورش، مو به مو در تلکس ویژه انعکاس می‌یافت. همیشه برابم جای سؤال بود که اخبار واقعی و درست، چرا در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد. در حالی که ما به حق مردم را ولی نعمت خود می‌دانیم و آنها صاحبان اصلی مملکت هستند و میزان رأی این مردم است و در نظام سیاسی حق حاکمیت دارند و خواست‌شان، تولید مشروعیت می‌کند، چطور اجازه داریم فقط اخبار خوب و مثبت را بدهییم و اخبار واقعی‌ را از آنها دریغ کنیم. چه کسی این اجازه را به ما داده است، تصمیم بگیریم که آنها چه اطلاعاتی را دریافت کنند و دادن کدام اطلاعات برایشان مجاز نیست. توجیهاتی که می‌آورند جالب بود؛ می‌گفتند مردم حق دارند در آرامش زندگی کنند. نباید با انتشار یک خبر، زلزله‌ای در جامعه انداخت. گاهی خبر به نظر شما حق است، اما به نظر کارشناسان باطل است. پس خبرها باید توسط افراد بصیر، تحلیل و کارشناسی شود تا تشخیص دهند و مراقبت کنند که خبر بازتاب منفی نداشته باشد و مورد سوءاستفاده و بهره‌برداری غلط قرار نگیرد. قرار نیست هر خبری را منتشر کنیم، باید خبر مفید به حال مردم بدهییم تا از فتنه‌ها

نقد هفته

آدرس اشتباه



امیر عربی

چشم‌پزشک

کمبودهای بیابانی در اقلام دارویی کشور بخش ثابت اخبار در ماه‌های اخیر است. از سرم و آنتی‌بیوتیک تا شربت سرماخوردگی و قطره‌های چشمی برای کنترل آب سیاه. در نگاه آماتور اولین چیزی که به ذهن می‌رسد این است که امسال مثلا نسبت به دو سال پیش چه تغییراتی حاصل شده که کمبودها بیابانی این‌گونه روز به روز خود را نشان می‌دهند؟ اگر تحریم است که دو سال قبل هم بود. اگر حرص و طمع صاحبان شرکت‌ها و متحرکان و واردکننده‌ها بود که دو سال قبل هم بود. اگر سوم‌مدیریت است که دو سال قبل هم سوم‌مدیریت بود. درست است که جمعی از مدیران تقصیر را بر گردن مردم انداخته‌اند که امسال نسبت به پارسال مصرف



✦ پروژه قطار شهری شمال به جنوب کرمانشاه در حال اجراست و کارگاه‌های میدان آزادی، چهارراه بسیج و سبزه‌میدان در حال فعالیت هستند. عکس: یحیی بیابادی/مهر

صنف

فعالیت کمیته‌های صنفی پیگیری بازداشت اهالی فرهنگ ادامه دارد

هنرمندان، روزنامه‌نگاران و عکاسان در این چند ماه پس از آغاز اعتراضات، با مسائل حقوقی و قضائی روبه‌رو شده‌اند و اصناف برای کمک به آنها کمیته‌هایی تشکیل داده‌اند. از بیکیرترین و باسابقه‌ترین کمیته‌ها، کمیته حمایت حقوقی و قضائی از سینماگران است که اکنون وارد سومین ماه تشکیل خود شده است.

خانه‌هنرمندان

شورای عالی خانه هنرمندان ایران در آخرین جلسه خود که چند روز پیش برگزار شد، به تشکیل کمیته‌ای برای رفع مشکلات هنرمندان در حوادث اخیر رای داد. بسه گزارش روابطعمومی خانه هنرمندان ایران، شوروی عالی خانه هنرمندان در جلسه آخر خود تصویب کرد کمیته پیگیری وضعیت هنرمندان را در شرایط این روزها تشکیل دهد. طبق متن منتشرشده، اعضای شورای عالی خانه هنرمندان در این نشست ضمن تأیید و حمایت از بیانیه‌های خانه‌های سینما، تئاتر و موسیقی، کمیته‌ای را در هم‌افزایی با کمیته‌های پیگیری تشکیل‌شده در نهادهای مذکور، مأمور مذاکره با مراجع ذی‌ربط و کمک به رفع مشکلات هنرمندان کرده است.

خانه‌تئاتر

همچنین هیئت‌مدیره خانه تئاتر از تشکیل کارگروه پیگیری و حمایت قانونی قضائی خانه تئاتر برای اعضای این صنف خبر داده است. در خبری که درباره تشکیل این کمیته منتشر شده، از همکاری که دچار مشکل شده‌اند درخواست شده تا همه افرادی که نیازمند حمایت حقوقی و قضائی هستند، آخرین وضعیت پرونده خود مانند وضعیت تأمین قضائی (آزاد، آزاد با وثیقه، آزاد با کفالت، بازداشت موقت و…)، آخرین مرحله دادرسی (جلب به دادرسی یا کیفرخواست، صدور حکم بدوی، صدور حکم تجدیدنظر) یا رسیدی ضبط پاسپورت اشخاصی را که گذرنامه آنها توقیف شده است، با مدیریت خانه تئاتر در میان بگذارند.

انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی

انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی از ابتدای اعتراضات سعی کرده تا در راستای مسئولیت صنفی خود، آخرین شرایط همکاریان بازداشت‌شده را به اطلاع اعضای انجمن و جامعه عکاسی ایران برساند.

۱. اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات حسین اسماعیلی صبح روز چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد برگزار شد. نماینده انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران تونست با موافقت قاضی پرونده، در جلسه دادگاه حضور پیدا کرده و با حسین اسماعیلی دیدار داشته باشد. همچنین نامه‌ای از سوی انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی مبنی بر معرفی سوابق و خدمات حرفه‌ای ایشان به قاضی پرونده ارائه شد تا به روند دادرسی ایشان در مسیر آزادی کمک کند. تاکنون هیچ حکمی برای ایشان صادر نشده است.

۲. اولین دادگاه رسیدگی به اتهامات خانم بلدا معیری ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۹ آذر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی افشاری برگزار شد. نماینده انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران در پایان جلسه دادگاه با بلدا معیری دیدار کوتاهی داشت و نامه‌ای از سوی انجمن مبنی بر معرفی سوابق و خدمات حرفه‌ای ایشان به قاضی پرونده ارائه شد تا به روند دادرسی ایشان در مسیر آزادی کمک کند. هنوز حکمی برای ایشان صادر نشده و وکیل خانم معیری نیز به جزئیات پرونده دسترسی نداشته است.

۳. در مورد آریا جعفری، دو جلسه رسیدگی به اتهامات برگزار شده است. نامه‌های مبنی بر معرفی سوابق و خدمات حرفه‌ای ایشان از سوی انجمن به قاضی پرونده ارائه شد تا به روند دادرسی ایشان در مسیر آزادی کمک کند. هنوز حکمی برای ایشان صادر نشده است.

۴. عادل کریمی که ۱۹ مهره‌ها در منزل یکی از دوستانش بازداشت شده بود، با قرار وثیقه آزاد شده است.

۵. احمد حلبی‌ساز که پس از ۲۷ روز بازداشت با قرار وثیقه آزاد شده بود، در گفت‌وگو با یکی از اعضای هیئت‌مدیره اعلام کرد دادگاه او تشکیل شده بدون داشتن وکیل به پنج سال زندان و ممنوع‌الکاری محکوم شده است. انجمن در تلاش است تا با مشاوره حقوقی به ایشان، تلاش کند تا این حکم در دادگاه تجدیدنظر تغییر کند.

خانه‌سینما

به گزارش سایت خانه سینما، این کارگروه با توجه به اتفاقات اخیر جامعه و مسائلی که برای هنرمندان به‌ویژه اهالی سینما آمده است، با تصویب هیئت‌مدیره خانه سینما تشکیل شده است. کمیته حمایت حقوقی و قضائی از سینماگران متشکل از همایون اسعدیان، علیرضا حسینی و مهدی کوهیان تشکیل شد و سپس در ادامه علی مردانه و نغمه دانش آشتیانی به این جمع اضافه شدند. این کمیته در حدود سه ماه فعالیت خود ضمن دیدار با سینماگرانی که به‌تازگی احکامی برایشان صادر شده است و خانواده‌های آنها، با مقامات قضائی و حقوقی و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای صنفی و هنری نیز جلساتی را برگزار کرده است. هدف اصلی این جلسات کاهش مشکلاتی است که برای سینماگران در زمینه دستگیری، احضار، ممنوع‌الکاری، ممنوع‌الخروجی، ضبط پاسپورت و… بوده است. طبق گزارش «شبکه شرق» تاکنون بیش از ۱۵۰ نفر از اعضای خانه سینما به دلایل مختلف دچار مشکل شده‌اند.

نکته بیسن می‌فهمد مسئول تأمین آنتی‌بیوتیک مهم هرگز نگفت چ‌را باید مصرف آنتی‌بیوتیک جمعیتی که در حال رشد نیست در طول یک سال چند برابر شود؟! کاش حداقل گزارشگر می‌رسید که برادر من، مردم همان هستند، باکتری همان است، سیسئوزیت و عفونت ادراری همان است، چرا مردم باید یک‌ساله چندین‌بار آنتی‌بیوتیک بخورند؟ مگر آنتی‌بیوتیک برای خوشمزگی‌اش یا رفع تشنگی مصرف می‌شود که تمایل مردم بالا رفته؟! خلاصه اینکه چه خوش‌بین باشیم چه بدبین، چه این‌وری باشیم چه آن‌وری، چه منتقد باشیم چه حامی، همه‌جوره کمبود بیابانی اقلام مختلف به‌راحتی توجیه نمی‌شود. شاید بهترین دلیل برای این قبیل مشکلات عدم تمرکز مسئولان و تصمیم‌گیران روی کار اصلی خود و درگیری با مسائل کمتر مهم است. مثلا وقتی در سیاهه اخبار پزشکی خبر اول کمبود آنتی‌بیوتیک است و خبر دوم افزایش هزینه سال‌های تعهد یا تحصیل رایگان برای آزادسازی مدارک، خواننده